



# امام مهدی

## در نگاه اهل سنت

مهدی اکبر نژاد

### مقدمه

اعتقاد به ظهور مهدی موعود علیه السلام بخشی از اعتقادات اسلامی را تشکیل می دهد و با وجود پاره ای از اختلاف نظرها در برخی از جزئیات مربوط به شخص امام مهدی علیه السلام و نیز در باره چگونگی ظهور و تشکیل حکومت آن حضرت، تمامی مذاهب اسلامی به آمدن چنین شخصیتی در آخر الزمان باور دارند و بر خلاف نظر بعضی از نویسندگان، این عقیده اختصاص به مذهب شیعه نداشته و ندارد و این واقعیت با مراجعه به منابع روایی و دیدگاههای عالمان مذاهب اسلامی به

خوبی روشن می شود. عالمان و دانشمندان چهار مذهب اصلی اهل سنت، یعنی: شافعیان، حنبلیان، مالکیان و حنفیان به این واقعیت تصریح دارند و آن را از جمله اعتقادات اسلامی بر شمرده و حتی برخی آن را ضروری دین نیز دانسته اند.

با این وصف، برخی از نویسندگان اسلامی و به ویژه در دوره اخیر، از پذیرفتن اصل مهدویت سرباز زده اند و با دلایلی که به نظر می رسد برخی از آنها برگرفته از دیدگاههای مستشرقان باشد، به انکار مهدویت به

زوایای مختلف به طرح این بحث و مباحث پیرامونی آن پرداخته‌اند؛ گاهی با ذکر روایات و احادیث مربوط، گاهی با بیان ویژگیها و اوصاف حضرت و دیگر گاه بارد اشکالات و شبهاتی که در این حوزه وارد شده است.

یادآوری این نکته مفید است که تعدادی از دانشمندان شافعی مذهب در مورد خصوصیات و ویژگیهای امام علیه السلام با شیعه هم عقیده هستند و این واقعیت از لای به لای برخی نوشته‌های آنان مشهود است. اینک برخی از نوشته‌ها و نظرات تعدادی از نویسندگان شافعی مذهب ذکر می‌شود:

۱. کمال الدین محمد بن طلحة

الشافعی (م قرن هفتم ه. ق)

وی با نوشتن کتاب «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» دیدگاههای خود را در باره امامان معصوم علیهم السلام بیان داشته است و همان

عنوان عقیده‌ای اسلامی پرداخته و آن را بر آمده از تفکرات شیعه معرفی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

بر خلاف این اظهار نظر غیر کارشناسانه، اعتقاد به امام مهدی علیه السلام و تصریح بر اسلامی بودن این باور، از سده‌های نخستین تاریخ اسلام تاکنون وجود داشته و در آثار و نوشته‌های دانشمندان اسلامی منعکس شده است و نادیده گرفتن این واقعیت همانند انکار امور بدیهی و واضح است.

در این نوشتار، برای اثبات این ادعا گفته‌ها و نوشته‌هایی از دانشمندان چهار مذهب اصلی اهل سنت ذکر می‌شود که به روشنی بیانگر این مهم است؛ البته باید اعتراف کرد که توجه به این موضوع در میان عالمان شافعی مذهب جایگاه ویژه و برتری داشته است و آثار و تألیفات آنان در این زمینه، بیش از آثار و تألیفات دیگر دانشمندان مذاهب اسلامی می‌باشد.

#### الف. دانشمندان شافعی

آنان توجه خاص و ویژه‌ای به موضوع مهدویت داشته‌اند و در بسیاری از آثار و نوشته‌های خود، از

۱. برای روشن شدن بیشتر موضوع مراجعه شود به: ضحی الاسلام، احمد امین، مصر، مکتبه الاسرة، ج ۳، ص ۲۴۳؛ ذهنیت مستشرقین، عبدالحسین فخار، نشر آفاق، چاپ سوم، ص ۵۹.

آن را به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کرده‌اند، توضیح مفصل و ارزشمندی را بیان داشته است.

## ۲. کنجی شافعی (م قرن هفتم ه.ق)

یکی از کتابهای خوب و منظمی که احادیث و مباحث مربوط به امام مهدی علیه السلام را با ترتیبی خاص و با ابواب و موضوعاتی منسجم ذکر کرده، کتاب «البيان فی اخبار صاحب الزمان» نوشته کنجی شافعی است. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد:

«من این کتاب را به نام «البيان فی اخبار صاحب الزمان» نامیدم و از ذکر هر روایتی که از طریق شیعه وارد شده، اجتناب کردم؛ که شیعه هر چند نقلش صحیح باشد، برای آنان کارساز است... و استدلال به احادیث غیر شیعه مسئله را تأکید بیشتری خواهد بخشید.»<sup>۱</sup>

نکته حائز اهمیت در این نوشته آن است که نویسنده با عنوانی که به

گونه که از نام کتاب پیداست، مؤلف، آن را در باره فضایل و زندگی نامه امامان علیهم السلام نگاشته است و به همین سبب، باب آخر کتاب را به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده و در آنجا نظرات خود را در باره آن حضرت بیان داشته است.

نکته مهم و قابل توجه در اندیشه این نویسنده، این است که در مورد شخص آن حضرت، به مانند شیعه معتقد است که ایشان فرزند امام عسکری علیه السلام می‌باشد و اکنون نیز در قید حیات است.<sup>۱</sup>

برای اثبات ظهور امام علیه السلام، احادیث متعددی را از منابع اهل سنت ذکر کرده و در پایان نیز به بررسی و ارزیابی برخی اشکالات در باره امام مهدی علیه السلام پرداخته و به تفصیل آنها را پاسخ داده است. از جمله آن اشکالات اینکه چگونه مهدی موعودی که پیامبر صلی الله علیه و آله وعده آمدن وی را داده است، همان محمد بن الحسن العسکری می‌باشد؟

نویسنده در توجیه حدیث «اسم ابیه اسم ابی» که برخی منابع اهل سنت

۱. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، طلحة شافعی، بیروت، مؤسسه ام القرى، اول، ۱۴۲۰ ه.ق، صص ۱۵۱-۱۶۲.

۲. البيان فی اخبار صاحب الزمان، کنجی شافعی، بیروت، اول، مقدمه.

الملاحم» فصل ویژه‌ای برای امام مهدی علیه السلام گشوده و ضمن توضیحاتی در باره ایشان، احادیث و روایات زیادی را نقل کرده و در پاره‌ای از موارد به توضیح آنها نیز پرداخته است. وی عنوان این فصل را چنین ذکر کرده: «فصل فی ذکر المهدی الذی یکون فی آخر الزمان.»

در ابتدای این فصل این چنین آغاز می‌کند:

«مهدی علیه السلام یکی از خلفای راشدین و از امامان هدایتگر می‌باشد که روایات منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد او نقل شده و گویای این است که حضرت در آخر الزمان خواهد آمد و به گمانم ظهورش پیش از آمدن عیسی علیه السلام باشد.»<sup>۱</sup>

وی تصریح می‌کند که مهدی موعود علیه السلام از ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه علیها السلام می‌باشد.<sup>۲</sup> نویسنده بعد از ذکر برخی از

آخرین باب داده - بر خلاف نظر بیشتر اهل سنت - امام مهدی علیه السلام را متولد شده می‌داند و معتقد است که وی دارای حیات است.

وی در ابتدای باب ۲۵ می‌نویسد: «هیچ امتناعی در بقاء مهدی وجود ندارد؛ به دلیل اینکه عیسی و الیاس و خضر علیهم السلام که از اولیای خداوند می‌باشند، زنده‌اند و دجال و ابلیس که از دشمنان خداوند هستند نیز زنده‌اند و زنده بودن اینها به وسیله قرآن و سنت اثبات شده. آن گاه که بر این موضوع اتفاق کرده‌اند، زنده بودن مهدی را انکار کرده‌اند. پس بعد از این به سخن هیچ عاقلی توجه نمی‌شود، اگر بخواهد باقی بودن مهدی را انکار نماید.»<sup>۱</sup>

نویسنده در ادامه، با ذکر دلایل و مستندات، زنده بودن عیسی و خضر علیهم السلام را اثبات می‌کند و از این دلایل نتیجه می‌گیرد که زنده ماندن امام مهدی علیه السلام در مدت طولانی هیچ استبعادی ندارد.

۳. اسماعیل بن کثیر (م ۷۷۴ ه. ق.)

وی در کتاب «النهاية فی الفتن و

۱. همان، ص ۹۷.

۲. النهایة فی الفتن و الملاحم، ابن کثیر، قاهره، اول، ۱۳۸۸ ه. ق، ج ۱، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۲۸.

احادیث، در باره سند آنها به قضاوت نشسته و در چند مورد، اسناد این روایات را صحیح و یا حسن دانسته است.<sup>۱</sup>

۴. سعد الدین تفتازانی (م ۷۹۳ ه. ق)

وی در میحث امامت کتاب «شرح المقاصد» که آخرین بخش این کتاب است، موضوع ظهور امام مهدی علیه السلام را مورد توجه قرار داده، می نویسد:

«روایات صحیحهای در مورد ظهور پیشوایی از نسل فاطمه علیها السلام آمده و چنین دلالت دارد که آن حضرت، دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از پر شدنش از ظلم و ستم...»<sup>۲</sup>

وی در ادامه، ظهور امام علیه السلام را از جمله نشانه‌های قیامت بر شمرده و مجدداً بر صحت اخبار مهدویت تأکید ورزیده؛ هر چند آنها را احادیث آحاد دانسته است.<sup>۳</sup>

البته نگاهی نقادانه به نگرش شیعه به مهدویت دارد و زنده بودن امام مهدی علیه السلام را امری بعید دانسته<sup>۴</sup> و ظاهراً مهم‌ترین دلیل وی در این مطلب، همین استبعاد حیات حضرت می‌باشد که معلوم است استبعاد تنها،

نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده و درستی باشد؛ چون واضح است که اگر با استبعاد تنها بشود موضوعی را منکر شد، بسیاری از مباحث و مسائل به راحتی قابل انکار خواهد بود و البته این شیوه‌ای پسندیده نمی‌باشد.

۵. جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ه. ق)

وی که از نویسندگان برجسته اهل سنت در زمینه‌های گوناگون حدیثی، تفسیری و علوم قرآنی است، تألیف مستقلی در باره امام مهدی علیه السلام دارد با نام «العرف الوری فی اخبار المهدی» و در آن صدها حدیث را از منابع متعدد و مختلف اهل سنت جمع آوری کرده است و این کار، نشان از اهتمام و توجه جدی وی به این موضوع دارد. نویسنده که بیشتر به نقل احادیث اکتفا کرده و به ندرت توضیحاتی در باره آنها ذکر کرده است، در پایان، فصلی را گشوده و در آن چهار نکته مهم را

۱. همان، صص ۲۶ و ۲۸.

۲. شرح المقاصد، تفتازانی، قم، منشورات

رضی، ص ۳۱۲.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۱۳.

در ادامه می نویسد:

«قول بهتری است که خروج امام مهدی علیه السلام پیش از ظهور عیسی علیه السلام می باشد؛ ولی برخی نیز گفته اند: بعد از آن می باشد. ابو الحسن آبری<sup>۳</sup> می گوید: روایات ظهور مهدی علیه السلام که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده و متواتر و مستفیض هستند، دلالت دارند که وی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و زمین را پر از داد می کند و به همراه عیسی علیه السلام خروج می نماید و او را در کشتن دجال در درب «لد»<sup>۴</sup> در سرزمین فلسطین یاری می رساند و او امام این امت خواهد شد و عیسی علیه السلام پشت سر او به

یادآوری کرده که عبارت است از:

۱. مهدی علیه السلام یکی از خلفای دوازده گانه ای است که در حدیث جابری سمره ذکر شده؛
۲. مهدی علیه السلام نمی تواند از فرزندان عباس بن عبد المطلب باشد؛
۳. سند حدیث «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ» ضعیف است؛ چون با نقل متواتری که گویای ظهور مهدی علیه السلام است، و اینکه وی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند، متعارض است؛
۴. آنچه نقل شده که مهدی علیه السلام از مغرب ظهور خواهد کرد، هیچ پایه و دلیلی ندارد.<sup>۱</sup>

علاوه بر آنچه که وی در این اثر نقل کرده، در برخی دیگر از آثارش، همانند: «الجامع الصغير» احادیثی را در باره امام مهدی علیه السلام ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

۶. ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ه. ق)

وی در کتاب «الصواعق المحرقة» در ذیل آیه دوازدهم که در فضایل اهل بیت علیهم السلام نقل کرده، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را با تفصیل زیادی از منابع متعدد اهل سنت آورده است و

۱. الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، صص ۱۶۵ و ۱۶۶.

۲. الجامع الصغير، سیوطی، بیروت، دار الکتب، اول، صص ۵۵۲ و ۵۵۳.

۳. محمد بن حسین بن ابراهیم آبری است که پیشوا، حافظ و محدث بود و در مناقب شافعی کتاب دارد و در سال ۳۶۳ ه. ق وفات نموده است. (به نقل از: سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۹۹).

۴. «لد» با ضمه و تشدید، جمع الد: روستایی است نزدیک بیت المقدس از نواحی فلسطین که عیسی علیه السلام در درب آن دجال را خواهد کشت. (نقل از: مراصد الاطلاع، بغدادی، بیروت، دار المعرفة، ج ۳، ص ۱۲۰۲).

بزرگان اسلامی باشد، پس تعزیر آنان

لازم است.<sup>۳</sup>

وی ضمن یادآوری مطلب یاد

شده و تأکید بر آن در کتاب «الفتاوی

الحدیثیه» برای استوار کردن رد این

افکار و عقاید، احادیث متعدد و

مختلفی را در باره امام مهدی علیه السلام ذکر

کرده و به استناد آنها، ادعای آنان را غیر

قابل قبول معرفی کرده است.<sup>۴</sup>

ضمناً وی کتابی مستقل در باره

امام مهدی علیه السلام به رشته تحریر در آورده

با نام «القول المختصر فی علامات

المهدی المنتظر» که این نوشته در سه

باب و یک خاتمه خلاصه شده و باب

اول به بیان نشانه‌ها و خصوصیات که

برای امام مهدی علیه السلام در روایات آمده،

اختصاص یافته است و در این قسمت،

با استناد به احادیث، ۶۳ عنوان را

نماز می‌ایستد.<sup>۱</sup>

وی در شرح حال ابی القاسم

محمد الحجة می‌گوید:

«سن وی هنگام وفات پدر، پنج

سال بوده که خداوند در این سن به وی

حکمت عطا کرد.»<sup>۲</sup>

با اینکه سخن وی صراحت در

تولد پسر امام عسکری علیه السلام دارد، اما در

ادامه و نیز در جایی دیگر، شدیداً بر

شیعیان تاخته است که چرا آنان مهدی

موعود علیه السلام را همان فرزند امام

عسکری علیه السلام دانسته‌اند.

هیتمی در جایی دیگر و در پاسخ

به پرسشی در مورد اعتقاد به یک

مدعی مهدویت و نیز سؤال در باره

حکم منکران امام مهدی علیه السلام چنین

نوشته است:

«اعتقاد این گروه (معتقدان به

مهدی بودن آن شخص) باطل و زشت

است و بدعتی فاحش و گمراهی

حتمی می‌باشد و اما انکار مهدی علیه السلام

اگر به خاطر انکار سنت باشد، حکم

کفر و ارتداد آنان باید صادر شود و

کشته شوند و اگر این انکار، نه به خاطر

انکار سنت، بلکه صرف دشمنی با

۱. الصواعق المحرقة، هیتمی، چاپ قاهره، ص ۱۶۷.

۲. همان، ص ۲۰۸.

۳. به نقل از: البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، متقی هندی، مکه، اول، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۲، ص ۸۷۲ و ۸۷۳.

۴. الفتاوی الحدیثیه، ابن حجر هیتمی، مصر، دوم، ص ۳۷، به نقل از: الامام المهدی عند اهل السنة، فقیه ایمان، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

و ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون.»

### ب. دانشمندان حنبلی

#### ۱. امام احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ه. ق)

وی رئیس فرقه حنبلیه است و نویسنده یکی از گسترده ترین و کهن ترین جوامع حدیثی اهل سنت نیز به شمار می رود. وی در این مجموعه حدیثی، احادیث مختلف و متعددی را در باره امام مهدی علیه السلام ذکر کرده است. یکی از فضلاء محترم حوزه علمیه قم در اقدامی شایسته، احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را که در این کتاب حدیثی آمده، جمع آوری کرده و با نام «احادیث المهدی علیه السلام من مسند احمد بن حنبل» به چاپ رسانده است.<sup>۱</sup>

در این کتاب، ۱۳۶ حدیث از مسند احمد استخراج شده و طی چند بخش تنظیم گردیده است که در بردارنده موضوعات متعدد و مختلفی در بساره امام مهدی علیه السلام است؛ از نشانه های ظهور آن حضرت تا ظهور و

یادآور شده است. در باب دوم روایات و احادیثی را که از صحابه ذکر شده، نقل کرده و در آن ۳۹ حدیث را آورده است. در باب سوم آنچه که از تابعین در باره امام علیه السلام نقل شده، آورده که جمع آنها ۵۶ حدیث است و در خاتمه کتاب، مباحث مختلفی از قبیل خروج امام علیه السلام پیش از آمدن عیسی علیه السلام، علامات نزول عیسی علیه السلام، خروج یاجوج و ماجوج، و نیز خروج دابة الارض را با تکیه بر احادیث و گفته های علما ذکر کرده است.

افزون بر این چند مورد که از میان علمای شافعی مذهب ذکر شد، شمار زیادی از دانشمندان شافعی، در باره امام مهدی علیه السلام با صراحت اظهار نظر کرده اند و برخی حتی تألیف مستقل و ویژه ای در این مورد به سامان رسانده اند که به جهت رعایت اختصار تنها نام چند نفر از آنها برده می شود:

۱. مناوی (م ۱۰۳ ه. ق) در کتاب «فیض القدیر»؛
۲. محمد رسول برزنجی (م ۱۱۰۳ ه. ق) در کتاب «الاساعة لا شراط الساعة»؛
۳. محمد الصبان (م ۱۳۰۷ ه. ق) در کتاب «اسعاف الراغبین

۱. احادیث المهدی علیه السلام من مسند احمد بن حنبل، سید محمد جواد حسینی جلالی، قم، انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۰۹ ه. ق.



وضعیّت عصر ظهور و دیگر موضوعات مرتبط با امام مهدی علیه السلام.

ممکن است گفته شود: چون احمد بن حنبل در باره این احادیث قضاوت خاص نداشته است، پس ذکر این احادیث نمی تواند دلیلی برای اثبات دیدگاه و نظر او در این باره باشد؛ ولی در جواب باید گفت: ثبت این تعداد زیاد از احادیث در این جامع حدیثی کهن، حتماً نشان از پذیرش و اعتماد نویسنده بر این احادیث دارد و چنین اهمّی از سوی وی حکایت از مقبولیت محتوای آنها نزد وی دارد. بنابراین، مهم ترین شخصیت فرقه حنبلی که در موضوع مهدویت دیدگاهش روشن و مشخص است، امام آنها یعنی احمد بن حنبل است.

۲. ابن تیم جوزیه حنبلی (م ۷۵۱ ه. ق)

وی که از نویسندگان سرشناس و معروف اهل تسنن است، فصل پنجاهم کتاب «المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف» را به مباحث مربوط به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده<sup>۱</sup> و در ردّ حدیث جعلی «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ»<sup>۲</sup> مهدی جز عیسی وجود

ندارد. مطالب و مباحث مختلفی را ذکر کرده و از قول برخی از دانشمندان اهل سنت، از جمله احمد بن الحسین آبری تواتر روایات نبوی را در باره امام مهدی علیه السلام یاد آور می شود و می گوید: «تواتر در این باره وجود دارد که آن حضرت از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است و عیسی علیه السلام به هنگام ظهور وی، خواهد آمد و در نماز به او اقتدا خواهد کرد.»<sup>۳</sup>

وی در ادامه، برای تأکید گفته آبری، روایات متعددی را از منابع اهل سنت ذکر کرده و هنگام تقسیم بندی این احادیث، تصریح دارد که اینها چهار دسته هستند: صحیح، حسن، غریب و موضوع.

و به این ترتیب، تعدادی از احادیث امام مهدی علیه السلام را صحیح و حسن دانسته و آنها را دارای حجیت و قابل برای استدلال معرفی کرده است.

۱. المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، شمس

الدین بن تیم جوزیه، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیة، ۱۳۹۰ ه. ق، ص ۱۴۱.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

## ج. عالمان حنفی و مهدویت

تعدادی از عالمان و نویسندگان حنفی مذهب در باره مهدویت و اعتقاد به مهدی آخر الزمان، نوشته‌ها و آثار خوب و ارزشمندی را از خود بر جای گذاشته‌اند. در پاره‌ای از موارد، علاوه بر اصل اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام، به مانند شیعه به زنده بودن وی نیز معتقد می‌باشند و اینک دیدگاه چند نفر از دانشمندان حنفی مذهب در پی می‌آید:

## ۱. ابن جوزی (م ۵۶۵۰ ه. ق.)

وی در کتاب معروفش، «تذکره خواص الاممة فی خصائص الائمة علیهم السلام»، فصلی جداگانه به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده و مباحث و موضوعات مختلفی در این باره نگاشته است و در آغاز این فصل می‌گوید:

«فصل فی ذکر الحجة المهدی هو محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا و کنیته ابو عبد الله و ابو القاسم و هو الخلف الحجة

۱. به نقل از: البرهان فی علامات صاحب الزمان،

متقی هندی، ج ۲، ص ۸۷۵ و ۸۷۶.

## ۳. یحیی بن محمد حنبلی (م قرن دهم

ه. ق.)

وی در پاسخ به پرسشی در مورد معتقدان به یک مدعی مهدویت و نیز در باره منکران اصل مهدویت چنین نوشته است:

«الحمد لله اللهم اهدنا لما اختلف فيه الحق باذنک! عقیده مذکور بدون شک، باطل است؛ چون مستلزم مخالفت و رد احادیث صحیحی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و پیامبر صلی الله علیه و آله در این احادیث از ظهور مهدی علیه السلام در آخر الزمان خبر داده و ویژگیهای شخصی مهدی علیه السلام و حوادث زمان ظهور را یاد کرده است. یکی از علائم مهم ظهور مهدی علیه السلام که کسی نمی‌تواند ادعا کند که واقع شده است، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان و قرار گرفتن او در کنار مهدی علیه السلام و نمازگزاردن او پشت سر آن حضرت و همین طور خروج دجال و کشته شدن او می‌باشد... و کسی که مهدی موعود علیه السلام را تکذیب کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به کفر او خبر داده است...»<sup>۱</sup>

صاحب الزمان.»

آن گاه روایاتی از منابع اهل سنت ذکر می‌کند که در آنها موضوعات مربوط به امام مهدی علیه السلام مطرح شده است. ابن جوزی سپس به دیدگاه امامیه در باره زنده بودن امام مهدی علیه السلام پرداخته و برخی دلایل شیعیان در این باره را یاد آور شده است.<sup>۱</sup> از نوشته ابن جوزی چنین بر می‌آید که وی اعتقاد شیعه را در باره امام مهدی علیه السلام پذیرفته و آن را منطقی و قابل قبول دانسته است.

۲. ابن طولون دمشقی (م ۹۳۵ هـ.ق)

وی که در حدیث، فقه و تاریخ صاحب نظر و در بسیاری از موضوعات دارای آثار و نوشته‌هایی بوده، کتابی با نام «الائمة الاشاعة» دارد که بخشی را به «الحجة المهدی» اختصاص داده و در آن به بحث در باره امام مهدی علیه السلام پرداخته است. در این اثر، بیشتر عقاید و اندیشه‌های شیعه در مورد ولادت امام مهدی علیه السلام و زنده بودن آن حضرت را نوشته است و هر چند با صراحت این عقاید را نپذیرفته، ولی از لا به لای نوشته وی چنین بر

می‌آید که تمایل به قبول آنها دارد و البته اظهار نظر صریح را به کتاب دیگرش با نام «الهدی الی ماورد فی المهدی» موکول کرده و ظاهراً از این نوشته هم اثری باقی نمانده است.

ابن طولون در کتاب «الائمة اثنا عشر» با احترام و تجلیل فراوان اسامی امامان دوازده گانه شیعه را در اشعاری گنجانده است.<sup>۲</sup>

۳. عبد الوهاب شعرانی (م ۹۷۳ هـ.ق)

وی در باب ۵۶ کتاب «الیواقیت و الجواهر» نشانه‌های قیامت را که در احادیث آمده، ذکر کرده که از جمله آنها، خروج امام مهدی علیه السلام می‌باشد. نکته قابل توجهی که وجود دارد، این است که وی با وجود حنفی بودن، به مانند شیعه معتقد است امام مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است و اکنون زنده و در قید حیات می‌باشد و تا زمان ظهور عیسی علیه السلام نیز زنده خواهد ماند.

۱. تذكرة الخواص، ابن جوزی، بیروت،

مؤسسة اهل البيت علیهم السلام، ص ۳۲۵.

۲. الائمة الاثنی عشر، ابن طولون دمشقی، به نقل از: الامام المهدی عند اهل السنة، فقیه ایمانی،

ج ۱، ص ۴۰۳ و ۴۰۵.

به متن عبارت وی بنگرید:

«وی (امام مهدی علیه السلام) از فرزندان امام عسکری علیه السلام است و ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق اتفاق افتاده و تا زمان آمدن عیسی علیه السلام زنده خواهد ماند.»<sup>۱</sup>

بدین شکل، وی نه تنها آمدن و ظهور امام مهدی علیه السلام را در آخر الزمان از جمله موارد حتمی بر شمرده است، بلکه تولد آن حضرت و حیات ایشان را تا زمان ظهور قبول دارد و از این جهت، اندیشه و عقیده وی بسیار نزدیک به عقیده شیعه می باشد.

۴. ابو السرور حنفی (م قرن دهم ه. ق) وی که مفتی حنفیها در شهر مکه بوده است، در پاسخ به استفتائاتی که جماعتی از مسلمانان هند از علمای آن زمان مکه کرده اند و از آنان خواسته اند که نظرشان را در مورد اعتقاد به یک مدعی مهدویت و نیز منکران مهدویت بنویسند، چنین گفته است:

«اعتقاد این طایفه زشت کردار باطل است و پوچ. باید با عقیده باطل و پیروان آن به سختی مبارزه کرد و این فکر یاوه را از مغز آنان در آورد؛ چون

این عقیده مخالف است با احادیث صحیح و سنن صریح و متواتری که به وسیله راویان بسیار و اخبار فراوان رسیده است و آن احادیث و سنن همه می گوید که مهدی موعود علیه السلام که در آخر الزمان خروج می کند، همراه عیسی علیه السلام خواهد آمد و با کمک او، دجال را خواهد کشت. برای ظهور او، علامتهایی است، از جمله: خروج سفیانی و گرفته شدن ماه و خورشید در ماه رمضان بر خلاف معمول.»<sup>۲</sup>

از این گفته به خوبی نگاه مذهب حنفی به موضوع امام مهدی علیه السلام آشکار می شود و معلوم می گردد که نه تنها آنان این فکر را قبول دارند، بلکه آن را مضمون احادیث صحیح و متواتر می دانند و این نکته بسیار مهمی می باشد.

۵. سلیمان بن ابراهیم قندروزی (م ۱۲۹۴ ه. ق)

وی که متولد شده در بلخ

۱. الیواقیت و الجواهر، شعرانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، باب ۶۲، ص ۵۶۲.  
 ۲. به نقل از: البرهان فی علامات صاحب الزمان، متقی هندی، مکه، اول، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۲، ص ۸۷۴

می‌باشد، بیشتر تحصیلاتش را در همان دیار سپری کرد و ادامه تحصیلات را در بخارا گذراند. بعد از آن به تصوف و عرفان نیز روی آورد و از بزرگان صوفیه شد. بدین شکل، هم در مباحث نقلی و هم طریقی صاحب مقاماتی گردید.

او کتاب «ینابیع المودة» را در مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام نگاشته است و بخش عمده‌ای از آن را به مباحث مربوط به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده و آیات تفسیر و تأویل شده در باره آن حضرت را ذکر کرده و نیز روایاتی که در مورد ایشان نقل شده، از منابع مختلف آورده است. همین طور، احادیث خلفای دوازده گانه و تفسیرهایی که برای آنها شده را ذکر کرده و نقلهایی که در باره ولادت ایشان شده و نیز علمای سنی مذهب را که تصریح بر ولادت آن کرده‌اند، نام برده است. در بخش دیگر، کرامات و خارق عاداتهایی که توسط آن حضرت انجام شده را نقل کرده و ملاقات کنندگان با ایشان را در دوره غیبت یاد آور شده است.<sup>۱</sup>

از مجموع نوشته‌های وی چنین بر می‌آید که نویسنده درباره امام مهدی علیه السلام همانند شیعه می‌اندیشد و معتقد به ولادت و زنده بودن آن حضرت است.

۶. ابوالبرکات آلوسی (م ۱۳۷۱ ه. ق)

وی در کتاب «غایة المواعظ» در بخش شمارش نشانه‌های برپایی قیامت - به مانند برخی دیگر از دانشمندان اهل سنت - ظهور امام مهدی علیه السلام را از جمله این نشانه‌ها دانسته و گفته است که قول صحیح‌تر نزد بیشتر عالمان و دانشمندان، ظهور و خروج امام مهدی علیه السلام است.

وی از قول ابن حجر هیتمی در «الصواعق المحرقة» نقل می‌کند که آیه «وَأَنسَأُ لَعَلَّكُمْ لِلسَّاعَةِ»<sup>۲</sup> در مورد امام مهدی علیه السلام نازل شده است. آن گاه در ادامه می‌گوید که در باره آمدن امام مهدی علیه السلام، احادیث و اخبار متعددی وارد شده و به همین مناسبت، تعدادی از این احادیث را ذکر کرده است.

۱. ینابیع المودة، قندروزی، قم، انتشارات

رضی، صص ۵۳۶-۵۷۲.

۲. زخرف / ۶۱.

اهل سنت است، آثار علمی و مشهوری از خود بر جای گذاشته که مهم ترین آنها تفسیر «الجامع لاحکام القرآن» است. وی در کتاب دیگرش با نام «التذکرة فی احوال الموتی و امور الآخرة» ابواب و فصولی را به بحث در باره امام مهدی علیه السلام اختصاص داده و با بیان احادیث متعددی از منابع اهل سنت، این موضوع را دنبال کرده و در توضیح برخی از این احادیث، مطالبی را در مورد امام مهدی علیه السلام بیان داشته است؛<sup>۱</sup> البته نویسنده در تفسیر آیه ۳۳ سوره توبه، در کتاب تفسیرش، مضمون آن آیه را که وعده خداوند بر غلبه دین اسلام است، بنا بر قولی منطبق بر عصر و زمان امام مهدی علیه السلام دانسته است.<sup>۲</sup>

#### ۲. ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ هـ.ق)

وی که از بزرگان فرقه مالکی در عصر و زمان خود بوده است، کتابی با

باره سیر حکومتی که امام خواهد داشت، بحثهایی را مطرح کرده و نظرات عالمان معروف را مورد اشاره قرار داده است.

وی در پایان، با اشاره به اعتقاد شیعه در مورد زنده بودن امام علیه السلام، این باور را مردود دانسته و آن را انکار می کند؛ البته دلیل خاصی برای این کار ارائه نکرده است.<sup>۱</sup>

#### د. امام مهدی علیه السلام در نگاه مالکیان

همانند دیگر عالمان مذاهب اسلامی، علمای فرقه مالکی باور به ظهور و فرج امام مهدی علیه السلام را یکی از اعتقادات خود دانسته و بر آن تأکید ورزیده اند. این واقعیت در نوشته ها و آثار آنان کاملاً مشهود و واضح است. در دوره های مختلف، تصریح بر این عقیده در لا به لای کتابها و نوشته های آنها دیده می شود. اینک از باب نمونه به گزارشی از نوشته ها و گفته های برخی از دانشمندان برجسته این فرقه پرداخته می شود:

#### ۱. قرطبی مالکی (م ۶۷۱ هـ.ق)

او که از جمله عالمان و نویسندگان معروف و شناخته شده

۱. به نقل از: الامام المهدی عند اهل السنه، فقیه ایمانی، ج ۲، صص ۱۵۷-۱۶۱.

۲. التذکرة فی احوال الموتی و امور الآخرة،

قرطبی، بیروت، دار ابن زید، ج ۲، ص ۸۷۵.

۳. الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، بیروت، دار

الفکر، ج ۴، ص ۴۵.

با وجود پاره‌ای از اختلاف  
 نظرها در برخی از جزئیات  
 مربوط به شخص امام  
 مهدی علیه السلام و نیز در باره  
 چگونگی ظهور و تشکیل  
 حکومت آن حضرت،  
 تمامی مذاهب اسلامی به  
 آمدن چنین شخصیتی در  
 آخر الزمان باور دارند

گفته است: «عقیده طایفه یاد شده، در باره آن میّت در گذشته که او مهدی موعود است و باید در آخر الزمان ظهور کند، باطل و پوچ است؛ به سبب احادیث صحیح‌های که دلالت دارد بر وجود مهدی علیه السلام و خروج او و نیز

نام «الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة علیهم السلام» نگاشته که انگیزه تألیف آن را بیان شرح حال و مقامات ائمه دوازده گانه علیهم السلام معرفی کرده است و این نوشته را بنا بر درخواست برخی از معاصران خود به سامان رسانده است.<sup>۱</sup> وی در فصل دوازدهم این کتاب، شرح حال و خصوصیات امام مهدی علیه السلام را ذکر کرده و در آن، مباحث مختلف و احادیث گوناگونی در باره امام مهدی علیه السلام آورده است. وعده رسول خدا صلی الله علیه و آله به ظهور آن حضرت را مورد اثبات قرار داده و از نسب آن بزرگوار سخن گفته است.

نکته قابل توجه در نوشته‌های این نویسنده آن است که به مانند برخی دیگر از عالمان اهل سنت، معتقد به ولادت امام مهدی علیه السلام است و بر این باور است که آن حضرت اکنون زنده و در قید حیات می‌باشد.<sup>۲</sup>

۳. محمد بن محمد بن الخطاب المالکی

(مقرن دهم ه.ق)

وی در پاسخ به پرسشی در باره معتقدان به میّتی که مدعی مهدویت بوده و نیز راجع به منکران مهدویت

۱. الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، بیروت، منشورات اعلمی، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۲۸۸.

متنوعی را بیان داشته است.<sup>۱</sup>

۵. محمد بن جعفر بن ادريس الكتاني

المالکی (م ۱۳۴۵ هـ. ق)

در کتاب «نظم المتناثر من الحديث المتواتر» که در آن احادیث متواتر را جمع آوری کرده، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را از جمله آنها دانسته و با استناد به سخنان و گفته‌های دانشمندان معروف و شناخته شده اهل سنت، بر تواتر این احادیث پای می‌فشارد و معتقد است که آمدن و ظهور امام مهدی علیه السلام بر اساس این احادیث و نیز وعده‌هایی که در آنها داده شده است، از ضروریات و موارد حتمی می‌باشد.<sup>۲</sup>



۱. حاشیه مشارق الانوار، چاپ مصر، ص ۱۱۴،

به نقل از: الامام المهدي علیه السلام عند اهل السنة، ج ۲، صص ۲۸-۴۰.

۲. نظم المتناثر من الحديث المتواتر، کتانی، چاپ فاس، صص ۱۴۴-۱۴۶.

حوادثی که در آستانه ظهور او اتفاق خواهد افتاد، همانند: ظهور سفیانی، فرو رفتن وی و لشکرش در زمین منطقه بیداء، کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در اول آن... و نیز به سبب احادیثی که دلالت دارند بر اینکه مهدی علیه السلام فرمانروای زمین خواهد شد و دجال، در روزگار وی ظهور خواهد کرد و دیگر علامات که هیچ کدام در دوره این شخص مرده‌ای که بدان اشاره شد، تحقق نیافته است.»

۴. شیخ محمد الصبان (م ۱۳۰۷ هـ. ق)

وی در کتاب «اسعاف الراغبین»

فصلی را به بحث درباره امام مهدی علیه السلام، نسب ایشان و محل ظهور و نیز نشانه‌های خروج حضرت بیان داشته است. علاوه بر روایاتی که در این باره ذکر کرده، مطالب مختلفی در تأیید این موضوع از بزرگانی چون محی الدین عربی و شعرانی نقل می‌کند.

عربی در جمع بین روایاتی که امام

مهدی علیه السلام را از نسل امام حسین علیه السلام

دانسته و روایاتی که آن حضرت را از

نسل امام حسن علیه السلام می‌داند، مطالب